

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی-استرالیا  
۲۰ دسمبر ۲۰۲۰



داکتر محمد کریم فارغی

## تأثیر ماندگار ضوابط اخلاقی-اجتماعی بر عملکرد انسان

هنوز متعلم مکتب بودم، فکر می‌کنم صنف نهم و یا دهم مکتب، علاقه مفراط به خواندن داشتم، هر نوشته‌ای را می‌خواندم، جالب این که در هر نوشته چیزهای جالب می‌یافتم. به یاد دارم که از ناگزیری اخبار حقیقت انقلاب ثور را نیز از سر مقاله آن گرفته و الی گزارش‌های خسته‌کن و آمیخته با دروغ آن را نیز می‌خواندم. با خود فکر می‌کردم اگر انسان راست بگوید ولو سخت و آزار دهنده هم باشد ارزش شنیدن و خواندن دارد ...

از قضاء یکی از خویشان ما که فاکولته حقوق را خوانده بود به خاطر تعقیب و تهدید دژخیمان حاکم ترک وطن کرد و یک کارتن از کتاب‌ها و مجلات‌شان را در خانه ما آوردند. چند عنوان از آن کتاب‌ها مسلکی بودند ولی بیشتر شان نشریات پوهنتون کابل و مربوط فاکولته شرعیات بود که به طور منظم شماره وار نشر شده بودند. حال می‌دانم که نشریات آنوقت چقدر پر محتوا و مبین فاکت‌ها و واقعیت‌های جامعه بودند. من تقریباً تمام آن شماره‌های نشر شده شرعیات را که در آن کارتن بودند خواندم، بیشتر مطالب از نویسنده‌های مصر و کشور‌های عربی ترجمه شده بودند، نویسنده‌هایی که جامعه‌الازهر را خوانده بودند ...

یکی از مطالب که تا به حال به آن فکر می‌کنم و کلید خوبی برایم در شناخت از جامعه داد مقاله‌ای بود تحت عنوان "رأی عامه" ... درین مقاله پس از مقدمه‌ای طولانی در مورد رأی عامه و باورهای جامعه که طی زمانه‌ها و نسل‌ها شکل می‌گیرد، از آن من حیث وسیله کنترل فردی در مواردی که خلأ حاکمیت قانون موجود باشد یاد آوری گردیده بود. در جوامع محافظه کار رأی عامه و معتقدات جمعی قانون نامه غیر مطبوع و غیر رسمی انگاشته می‌شود. اجتماع و جوامع کوچکتر با الهام از تاریخ و حوادث گذشته که در ادبیات شفاهی و غیر نوشتاری‌شان سینه به سینه انتقال می‌

یافته و در حافظه جمعی حفظ می گردید، الگو ها و رول مدل ها از قهرمانان نیکی و زشتی و مجادله حق و باطل و راه های رستگاری و فلاح را در متن خود حک کرده بودند تا آنجا که خوب و بد، زشتی و زیبایی را عوام می دانستند و برای اعمال شان حد و حصری قائل بودند. در آنوقت ها حاکمیت در حدی نبود که در گوشه ها و اکناف مملکت سیطره شان را گسترده باشند و بر کردار مردم نظارت کنند، مکاتب و مدارس نیز در حدی نبودند که قاطبه مردم را در پوشش خود در آورند، لذا جامعه و معیار های تعیین شده رفتار اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی آن خود من حیث یک کانون، ضابطه ایجاد می کرد و فرد بدون آن که اراده ای در پذیرش آن داشته باشد، از آن معیار ها پیروی می کرد. آنهایی که چنین نمی کردند، قبل از آن که مطابق قوانین و لوايح رسمی مورد باز رسی و تعقیب قرار بگیرند، خود جامعه در توبیخ و تشهیر شان می پرداختند تا آنجا که شخص بیشتر از آن که از تعقیب و باز خواست رسمی مراجع حاکم هراس داشته باشد، از انعکاس اعمال خلافش در بین اجتماع و محله و از رفتار و پیشامد متفاوت جامعه با خود، من حیث یک فرد ناقض ارزش های عامه، در هراس می گردید و قبل از پرداختن به جرمی، عامل باز دارنده جرم برایش می گردید .

جامعه ما قبل از هجوم روسها و تقابل و انقطاب آن با هم، از نام اعتقادات و باور های غیر مانوس و وارد شده از بیرون، توسط جریان های چه چپگرا و چه هم راستگرا های افراطی، مطابق ارزش های تاریخ کهن و متن اجتماعی به هم پیوسته خود تکامل آهسته، تدریجی ولی ارزشمند داشت و در آن ضوابط و معیار های منحصر به خودش ترجیح داده می شد، ولی متأسفانه هجوم بیگانه ها و در پیشاپیش آنها افراد نا آگاه و غیر متعهد در برابر ارزش های جامعه کهن و نهایت محافظه کار شان، باعث ایجاد انگیزه های افراطی به افراد مشابه خود شان در جبهه متقابل که متناسباً درک واقعی و تعهد لازم از جامعه شان نداشتند، جامعه را تا سرحد انهدام و از هم پاشیدگی سقوط دادند که دیگر از آن ضابطه های انسانی، اجتماعی و اخلاقی اثری باقی نمانده است. هیچ عملی و روشی از فیلتر خوب و بد جامعه نمی گذرد و هیچ کس نمی داند که کی، کی است، پسر کدام خانواده است و اهل کدام محله و مسجد است .... ؟؟؟؟